

تماشای گزارش



خط تولید استخوان

کر کره هیچ یک از مغزهای خیابان و لیمصر هنوز بالا نرفته، اما طبخانی آقابراهیم پروت و آمد است. هس بار که در توری سفید رنگ طبخانی باز و بسته می شود، بوی کله و سبزی پخته لایه لای هوای بارانی دم صبح می پیچد. گالن های آبی رنگ توی باغچه روان روی طبخانی ردیف شده اند و وقتی شاگرد جوان آقابراهیم در سیاه رنگ گالن ها را کنار می زند، نلسی از جمجمه های کوچک و بزرگ پدیدار می شوند. هنوز نصف گالن خالی است و تا بر نشود سر و کله سبحان پیدا نمی شود. داخل طبخانی شلوغ است و از سبزی بزرگی که روی هرم آتش می جوشد بخار ملایمی بلند می شود. کله گوسفندی که وسط سینی داغ و پر آب جا خوش کرده، حساسی پخته شده و پیش از آنکه مشتری تازه ای از راه برسد، آقابراهیم برای جدا کردن استخوان های آن دست به کار می شود.



بسیاری از آقایانی که به دست فرمان خود و همجنسان شان غره و مغرورند، در به در دنبال جناب سرهنگ کریمی و همکارانش می گردند تا بپرستند چرا به خانم های محتاط، گواهینامه رانندگی می دهند؟! اما سرهنگ کریمی صبور و دنیا دیده با آن که از این علامت سوال دیرینه آنها باخبر است، در گواهینامه دادن به خانم هایی که قوانین راهنمایی و رانندگی را خوب بلدند و در پارک دوپل و دور دو فرمان مهارت کافی دارند، تردید به خود راه نمی دهد.



من به خانم ها گواهینامه می دهم!

گوشت برای شما، استخوان برای ما

استخوان های کله پزی، مشتریانی خاص دارند

رابعه تیموری روزنامه نگار

شب تا صبح در دیگ طبخانی جوشیده اند و بیه و چربی روی آنها نمانده تا مانند استخوان هایی که از کشتارگاه ها جمع آوری می شوند، مر حله جداسازی را بگذرانند. خشک کردن و آسیاب کردن آنها هم ساده تر از استخوان های خام است، اما ضد عفونی کردنشان حساسی زمانبر است و باید به ضرب و زور دستگاه های گرمایش دهنده پاستوریزه شوند تا مکمل غذایی سالم و خوش هضم برای سنگدان های حساس مرغ ها ساخته شوند. این استخوان ها تا وقتی به شهرک صنعتی سالار به در حاشیه تهران و کارخانه تولید پودر استخوان پرستند راه درازی طی کرده اند. راهی که نخستین قدم آن را سبحان بر می دارد. سبحان نمی داند کاسباتی مانند عبدالله چرا برای خرید استخوان های یخته و بی عطر و طعم کله پزی ها سر و دست می شکنند، ولی شنیده صاحبان کارخانه مشتری این ضایعات خاص هستند و از آنها پودری می سازند که بازارشان حساسی سکه است.

آماده تحویل به مشتری

تند و فرز کار می کند و پوست کله را که جدای می کند، فک و دندان های نامرتب و کوتاه و بلند چسبیده به جمجمه نمایان می شوند. استخوان های فک را با احتیاط تکان می دهد و وقتی به آرامی از پوست جدا می شوند، گوشت لخم پشت آن را توی سینی گرد کنار دستش می چیند. پوست بناگوش که کنار می رود، توی جمجمه سفت و توخالی فقط مغز مانده است. در حالی که استخوان ها را توی کاسه استیل کنار اجاق خالی می کند، از پنجره بخار گرفته طبخانی چشمش به سبحان می افتد که مشغول خالی کردن گالن های حاشیه خیابان است. سبحان پسر بزرگ خانواده ۸ نفره اش است و اگر ضایعات جمع آوری نکند، با درآمد کارگری پدرش زندگی شان نمی چرخد. زیر و زبر و زنگ است و هنوز از گرد راه ترسیده کار را از پسر عمویش قاپیده تا خودش طرف حساب عبدالله باشد. گونی ای که توی آنها استخوان می ریزد از گونی دیگری که با بطری و پلاستیک پر کرده محکم تر است و تیزی استخوان ها گوشه و کنارش را پاره نکرده. وقتی کارگر آقابراهیم کاسه پر از استخوان را هم داخل گونی می ریزد، سبحان به راه می افتد. حساب و کتاب دستمزد و درآمد سبحان سخت نیست: توی هر گالن آبی رنگ لاقفل ۳۰ کیلو استخوان جامی گیرد و هر گونی کفنی زرد رنگ هم با یک گالن پر می شود. عبدالله

پیشانی بلند برای هر گونی استخوان ۵۰ هزار تومان او پول می دهد و هر روز تساطهر لاقفل ۱۰۰ هزار تومان از جمع آوری استخوان های طبخانی آقابراهیم کاسبی می کند. آقابراهیم ظهر مشتری چندانی ندارد، اما دم غروب هم طبخانی شلوغ می شود و باید کنار دست آقابراهیم باشد، تا سطل ها به موقع خالی شوند.

انبار موقت

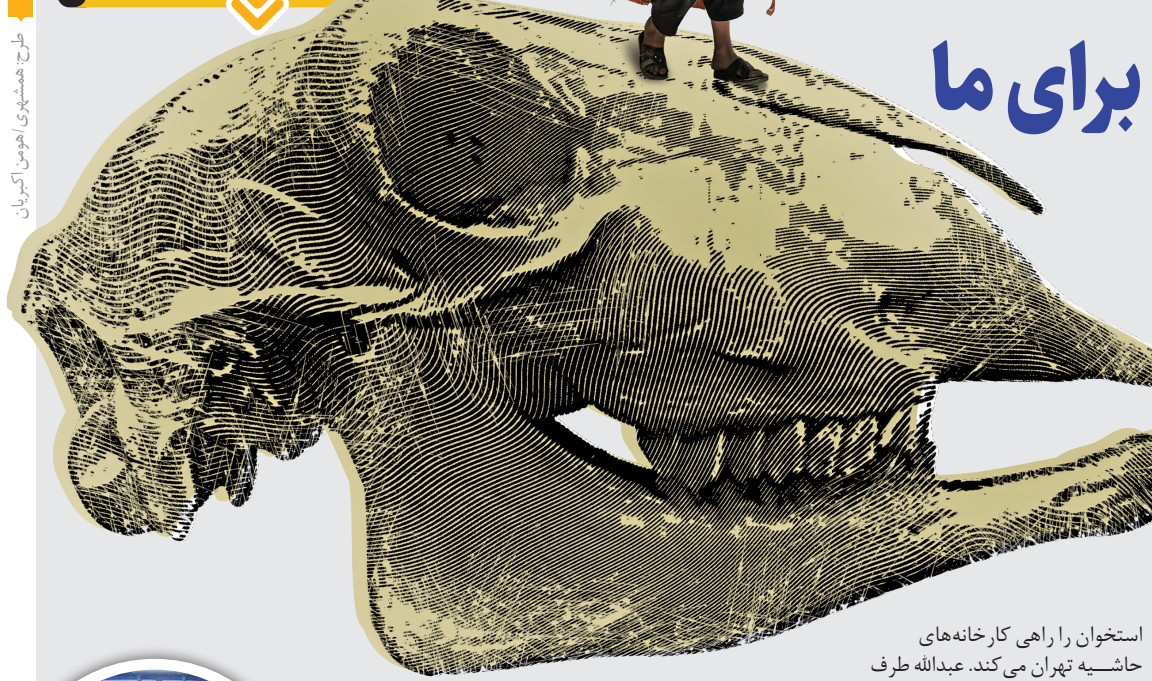
گاراژی که استخوان ها را انبار می کنند می تابد راه آهن است و در مسیرش که حداقل ۲ ساعتی طول می کشد می تواند به اندازه یک گونی دیگر هم ضایعات فزای و پلاستیکی جمع کند. عبدالله پیشانی بلند ۲ اتاق سه گاراژ را برای جمع کردن استخوان های کله پاچه جدا کرده و گونی های هر طبخانی را جداگانه نگه می دارد. سبحان استخوان های ۳ طبخانی را به تنهایی جمع می کند و هر روز باید لاقفل ۲ بار این راه دراز را ببرد و برگردد. اغلب طبخانی هایی که بردن استخوان ها را به او می سپارند، در همان گوشه به عبدالله، پیشانی بلند قرار دارند و او گاهی چند گونی استخوان را با هم به گاراژ می برد. سبحان نمی داند چرا عبدالله، پیشانی بلند می گویند، ولی دلش می خواهد مثل او اقبالی بلند بلند بایند و برای تعدیه چهار پایان استفاده را بچرخاند که هر شب چندین وانت نیسان پر از

استخوان را راهی کارخانه های حاشیه تهران می کند. عبدالله طرف حساب آقابراهیم نیست و صاحب کارخانه ای که استخوان ها را می خرد، اول پاییز هر سال چک پیش خرید استخوان های طبخانی اش را برایش می برد. کم و زیاد آن را هم آخر سال و موقع تسویه حساب با هم کنار می آیند. عبدالله پیشانی بلند امین آنهاست و حساب و کتاب دفتر و دستکش خطا ندارد.

کاسبی چندسرد سود

برای بسیاری از تولیدکنندگان پودر استخوان اهمیت چندانی ندارد که استخوان های جوشیده کله پزی ها شب تا صبح گوشه گاراژ بمانند و معتقدند هر چقدر هم مگس و پشه روی آنها بلولند وقتی در دستگاه های گرمایش دهنده ضد عفونی شوند، پاک و پاکیزه بیرون می آیند. اما ضایعات استخوانی طبخانی آقابراهیم شبانه راهی کارخانه تولید پودر استخوان می شوند. این استخوان ها که شب تا صبح در پاتیل کله پزی آقابراهیم جوشیده اند، به کار پرورش دهندگان گاو و گوسفند نمی آیند و برای تعدیه چهار پایان استفاده نمی شوند، ولی یکی از مواد اصلی در تهیه پودر استخوان

نوی هر گالن آبی رنگ لاقفل ۳۰ کیلو استخوان جامی گیرد و هر گونی کفنی زرد رنگ هم با یک گالن پر می شود. عبدالله پیشانی بلند برای هر گونی استخوان ۵۰ هزار تومان به سبحان پول می دهد



به عنوان مکمل غذای طیور هستند. طبخانی آقابراهیم از پر مشتری ترین طبخانی های مرکز شهر است و روزهای جمعه وزن استخوان هایی که به گاراژ عبدالله می فرستند به ۱۰۰ کیلوگرم هم می رسد، ولی فقط او دست و دل بازی به خرج می دهد و هفته ۱۰۰ هزار تومان روی دستمزد ماهانه ای که سبحان از عبدالله می گیرد می گذارد و ته بساطت دو یک کله پزی اش را هم جمعه شب ها برای خانواده سبحان می فرستد. مبلغی که سالانه از فروش استخوان ها نصیب آقابراهیم می شود به ۱۰۰ میلیون تومان نمی رسد، اما معامله این ضایعات برای عبدالله درآمد میلیاردی به همراه می آورد. وقتی هم این ضایعات بی طعم و مزه آسیاب و با چاشنی های مختلف راهی بازار می شوند، علاوه بر آنکه هزینه خوراک مصرفی مرغ و خروس ها را به مقدار قابل توجهی کاهش می دهند، مفصل و سیستم ایمنی آنها را حساسی تقویت می کنند و سبب می شوند حاصل زاد و ولد طیور، تخم گذاری با کیفیت تر و جوجه هایی پر گوشت تر باشد.

طرح همشهری همون آخیران

پاک بدم، پاکبان شدم

به بهانه انتشار خبر «بهبودیافتگان، پاکبان می شوند» که امیدهای بسیار آفرید

رغم و به هزار نفر روانداختم؛ نشد که نشد. تا اینکه خبر پاکبان شدن بهبودیافته ها را از کسی شنیدم... سالار، دسته چوبی جاری پاکبانی را به سینه اش می چسباند: «خانواده ام مخالف این شغل بودند ولی بالاخره راضی شان کردم. به هر حال زندگی خرد و پذیرش پاکبانی بانان حلال و آبروراحت تر از معاند بودن است! نیست؟»

پاکی و پاکبانی؛ پیشه ام!

خبر به گوش احسان هم رسیده چند روز پیش که از سر بی حوصلگی بیچ رادپورا بیچانده بود، مشروح آن را شنید: «بهبودیافتگان، پاکبان می شوند...» و این یعنی خلاص شدن از شر وسوسه استعمال مواد مخدر. که که گاه توی سرش وول می خورد و مضطربش می کند. همان موقع، شماره تلفن چند اداره را گرفت تا اینکه بالاخره با یکی از پاسخ دهندگان که مسئول خبر خوش بود، قراری برای گزینش گذاشت؛ گزینش برای آنها که در آتش اعتیاد حساسی گداخته شده بودند، آسان بود و سساده: «یکسری سوال و جوابهای معمول، بدش هم مدارک هویتی و ضروری خواستند. آنجا تنها جایی بود که سوء پیشینه اعتیاد را به سرم نکوبیدند.» غرولندکنان، اضافه می کنند: «نگار اینها که سوء پیشینه اعتیاد ندارند، هیچ خط و خطای دیگری ندارند!» احسان، جلسات آموزشی پاکبانی را در کنار دیگر افراد بهبود یافته می گذراند: «ادمی که تازه ترک کرده، انرژی و نیروی کمی دارد، زود خسته می شود. از طرفی نباید بیکار بماند، بیکاری همانا و پای بساطت دود نشستن همان توی این شرایط خاص، پاکبانی می تواند گزینه خوبی برای اشتغال باشد، چون کارفرما در جریان جزئیات سوابق ما هست و بیشتر مراعات حال و احوال جسم و جیب ضعیف ما را می کند.» دل خوش این جمله است که از همان روز گزینش از یکی از بهبودیافتگان متقاضی کار که صفی بلند منتظر ایستاده، شنیده بود: «خوشحال باش مرده پاک و پاکبانی می شود پیشه مان! به نظر م اگر کسی را می شناسی که شرایطش مثل ماست، خبرش کن. من که وقتی رفتم ملاقات پسر عمویم در کمپ، مزگانی صاحب شغل شدنش را پیشاپیش از ش گرفتم!»

درمان اعتیاد است. طبق آمار منتشر شده از سوی مرکز اطلس خیران ایران، در حال حاضر بیش از ۵۰۰ هزار خانه و کارگاه تولیدی خصوصی در مراکز استان ها، مجری طرح استخدام بهبودیافتگان از اعتیاد هستند که بیشترین آمار و فراوانی این کارخانه ها و کارگاهها در کلانشهرهای تهران، اصفهان، مشهد، تبریز و اراک ثبت شده است؛ از فعالیت های خیرخواهانه کارخانه های چاشنی سازی کار آفرین معروف، برند مشهور تشک سازی تا کارگاه های کوچک تولیدی کفش، کیف و خیاطی در استخدام افراد بهبود یافته که بر که سوء پیشینه شان از اعتیاد به انواع مواد مخدر سنتی و صنعتی پر است. طرح استخدام پاکبان شهرداری از میان بهبودیافتگان متقاضی شغل نیز از زمستان سال گذشته به اجرا در آمده که در قالب آن تاکنون بیش از ۴۰۰ نفر صاحب شغل و درآمد شده اند. البته بنا بر اعلام روابط عمومی سازمان خدمات اجتماعی شهرداری تهران تفاهنامه همکاری با کارخانه های بزرگ مانند دوب آب امل و با هدف استخدام بهبودیافتگان مرکز یاور شهر و گرمخانه هانیز امضا شده است.

دود و سوز اعتیاد، نان حلال و آبروی پاکبانی

حالا ۷ ماهه شده که سالار از بند اعتیاد ۱۴ ساله اش، راهی جسته اما دیگر مانند روزهای نخست پاکی اش، شاد و شکرین از شهید چیرگی بر افیون نیست. کامش از عدم اعتماد دیگران نسبت به خودش به واسطه گذشته افیونی ای که داشته به تلخی شرنگ و زهر دگر سان شده: «۴ سال گرفتار اعتیادی بودم که خانم ام را سوزاند... به صورتش که جای ضایعات پوستی بر آن، فرورفتگی انداخته و دندان هایش که در میان افتاده، اشاره می کند: «سلامت مرا گرفت... چشم، تر می کند: «مادرم را از غصه کشت و کلی خسارت دیگر که هر یکشان به تنهایی برای به فراق رفتن یک زندگی کافی است ولی خوب، خدا خواست و سرم به سسنگ خورد و بالاخره بعد از چندین و چندبار کمپ خوابی، ترک کردم. خیلی سخت بود اما راستش الان احساس می کنم سخت تر از ترک اعتیاد، زندگی کنار آدم هایی است که به واسطه دودبازی های گذشته ام، به من اعتماد ندارند. توی مدتی که دنبال کار بودم، هزار جا

از جمله مصائب پر تکرار و تراژدی وار این روزگار که تا غافل و بی رحمانه چنگ به گریبان بسیاری افراد از

مرد وزن گرفته تا پیر و جوان می اندازد، افیون اعتیاد است؛ افیونی هزارسر و زورمند که جرح و زخمش بر جسم و جان حریف می تواند از درد استخوان شکنی و صورت ناسور باشد تا بر انداختن زندگی و بد دادن عزیزان. با همه دشواری و تیز چنگی که این افیون دارد، گاه حریفان نبرد صعب و سختش، پیروز می شوند و حیات دوباره می خردند؛ حیاتی گران که درد و نشان اعتیاد بر آن پیداست و اغلب اوقات، پیدایی این رد و نشان از خود اعتیاد، رنج آور تر است؛ چنان رنجی که بسیاری از بهبودیافتگان را ناتوان از تشکیل خانواده، تامین خانه یا حتی یافتن شغل و کسب و در آمد می کند. از این روست که اجرای طرح های نیکو کارانه با موضوع ایجاد شغل ویژه بهبودیافتگانی که پیشانی شان از اعتیاد سفید است، بسیار به کار می آید و گره می گشاید؛ مانند خبر «بهبودیافتگان، پاکبان می شوند» که این روزها بسیار پربازدید و امید آفرین شده است.

نسخه پیچی نیکوکاران و مسئولان

از آن روزی که اعتیاد را نوعی بیماری دانستند، نسخه های متنوع و متعددی از مدارا تا اشتغال برای در مانش بیچیندند و این آخری یعنی اشتغال، شد نسخه برتر؛ چنان که بسیاری از کارشناسان و متخصصان حوزه درمان اعتیاد به پشتوانه بیوست های تحقیقاتی و تجربه نگاری های مستند، اثر درمانی آن را کم از نارو با گروه درمانی و امثالهم ندانسته و نمی دانند. از این روست که در ارتباط با مسئله و موضوع اعتیاد، پای طرح های نیکو کارانه خیران، کار آفرینان و مسئولان دولتی و سازمانی را به میان می کشند تا ضمن کاهش آمار اعتیاد، از لغزش بهبودیافتگان نیز جلوگیری شود. ارائه آموزش های تخصصی مهارت های روز و کار آمد و ایجاد زیرساخت های اشتغال در بناگاهها و کارگاه های مختلف خصوصی و دولتی از جمله مصادیق این نسخه



عکس همشهری | محمد عباس نژاد

در حال حاضر بیش از ۵۰۰ کارخانه و کارگاه تولیدی خصوصی در مراکز استان ها، مجری طرح استخدام بهبودیافتگان از اعتیاد هستند که بیشترین آمار و فراوانی این کارخانه ها و کارگاهها در کلانشهرهای تهران، اصفهان، مشهد، تبریز و اراک است

بهبودیافتگان مشغول کارند

«بهبودیافتگان مشغول کارند» این را باشاسر، یکی از نیکوکاران روی تابلوی بزرگ نوشته و کوبانده سر در کارگاه کفش دوزی اش که چراغش سال های است در محله ای در غرب تهران بهر امید آفرینی و در آمدزایی بهبودیافتگان، می سوزد: «برادر کوچکم، چوب رفاقت با افراد نابال را خورد و معتاد شد. پدر مان خیلی تلاش کرد تا در دانه اش را نجات دهد ولی خوب، گاهی نمی شود دیگران از همان وقت نذر کرد با سهم ارت او (برادر کوچکم) کارگاه کفش دوزی راه ببیندازد تا آنها که از اعتیاد برگشته اند، سرگرم شغلی باشند.» در همسایگی کارگاه کفش دوزی او در شهرک صنعتی فتح چند کارگاه دیگر مانند خیاطی، کیف دوزی و ساخت قطعات خودرو و نیز فعالند که نشانی شان را بهبودیافتگان بسیاری می شناسند. عباس، مدیر شرکتی دانش بنیان است که او نیز از نیروی کار بهبودیافتگان بهره می گیرد. روال واحد منابع انسانی شرکت او اینطور است که به صورت مداوم با کمپ های مجاز ترک اعتیاد در تعامل است تا در زمان مناسب از تخصص بهبودیافتگان استفاده کند. ششایان هم یکی از ۵ هزار کارگر کارخانه چاشنی سازی مشهد است که از شرط داشتن سوء پیشینه اعتیاد برای استخدام در کارخانه ابراز خوشحالی می کند.

